

آغاز و انجام انجمن سیاسی آدمیت در دوران مشروطیت

۴ فروردین ۱۴۰۳ ساعت ۱۶:۳۲

گرچه دوری ملک‌نخا از ایران، رسوایی او پس از ماجرای امتیاز لاتاری، و سرانجام انحلال مجمع‌آدمیت پس از مرگ ناصرالدین شاه، به تدریج و به طرز فزاینده‌ای از نقش و حضور مستقیم او در ایران کاست، ولی در واقع وی نماد و سخنگوی جریان فکری فعالی بشمار مآرفت که حتی برای مدتها پس از حیات وی نیز شاخصه حیات روشنفکری ایران، یا حداقل بخش قابل ملاحظه‌ای از آن، به شمار مآرفت و بنابراین موجودیت و استمرار آن قائم و منوط به فرد خاصی نبود..

جامع آدمیت یکی از تشکیلات و مجامع مطرح و شایان توجه عهد مشروطیت مآباشد که در دوره مظفردالدین شاه پایه عرصه وجود نهاد و به سبب برخورداری از مرام و فلسفه سیاسی مشخص، حلقه و مرحله مهمی در تکوین و تولد فعالیتها و تشکیلات حزبی در ایران به شمار آمده است. ۱. به یک معنا، جامع آدمیت دنباله همان فراموشخانه و مجمع آدمیت میرزا ملک‌نخا بود و مرامنامه تشکیلات مذکور را که در رساله اصول آدمیت و کتابچه حقوق اساسی فردملکم آمده، مبنای آرمان و آزمونهای سیاسی - اجتماعی خود قرار داده بود. از این رو، برخی آن را «فراموشخانه سوم» نام نهاده‌اند. ۲. به روایتی، پس از رسوایی ملک‌نخا در ماجرای امتیازنامه لاتاری، حیثیت و شهرت او چنان آسیب دید که نفاذ و کارکرد سیاسی - فکری خود را به میزان زیادی از دست داد ولی روشنفکران متأثر از فلسفه او، راه وی را ادامه دادند و با تأسیس جامع آدمیت مروج افکار و فلسفه او گردیدند. ۳. گفته شده که مجمع آدمیت ملکم در سال ۱۳۱۴ ه / ۱۸۹۶م منحل گردید و سالها پس از آن، سازمان شبه ماسونی جامع آدمیت توسط یکی از مریدان وفادار و پرحرارت او به نام عباسقلی‌نخا قزوینی، که حتی عنوان «آدمیت» را برای نام‌نواذگی خود برگزید ۴ تأسیس شد.

عباسقلی‌نخا قزوینی و احیای مجدد اندیشه ملکم خان

عباسقلی‌نخا فرزند عیوض علینخا، در سال ۱۲۷۸ ه در قزوین تولد یافت و در پنج سالگی (۱۲۸۳ ه) پدر خود را از دست داد. از آن پس شوهرخواهرش میرزا محمدخان قزوینی معروف به منشی باشی، پیشکار امور کشوری کامران میرزا نایبالسلطنه، عهده دار تعلیم و تربیت او شد. عباسقلی‌نخا با معرفی وی در بیست سالگی به خدمت دستگاه میرزا یحیی‌نخا قزوینی مشیرالدوله برادر میرزا حسین‌نخا سپهسالار درآمد و در سال ۱۲۹۹ ه که میرزا یحیی‌نخا به وزارت عدلیه منصوب شد او نیز به خدمت عدلیه درآمد و در آنجا بود که در پرتو همکاری با میرزا یوسف‌نخا صاحب رساله معروف یک کلمه، به وی ارادتی یافت که تا پایان عمر بدان وفادار بود.

عباس قلی‌نخا که از برکشیدگان مشیرالدوله بود، توسط وی به جرگه روشنفکران لیبرال و اصلاح طلب و محفل یاران ملکم راه

یافت و در حدود سال ۱۳۰۰ ه به فراموشخانه پیوست. ۵ در سال ۱۳۰۳ ه، هنگام دیدار ملکم از ایران و اقامت چند ماهه او در خانه میرزایحیی، عباسقلیخان که سمت مهمانداری ملکم را یافته بود از نزدیک با وی آشنا و عمیقاً از او متأثر شد و از آن پس به گونه خستگی‌ناپذیری هم و هم خویش را معطوف به تکثیر و ترویج رسالات و مقالات و اندیشه‌های ملکم خان نمود. هنگامی که ملکم پس از عزل از مقام سفارت لندن مبادرت به انتشار روزنامه‌قانون و تأسیس مجمع آدمیت نمود، وی با الحاق به حوزه سری مزبور، با جدیت و تعصب تمام در توزیع قانون و اعلامیه‌های ملکم در انتقاد از هیئت حاکمه، مشارکت جست و به روایتی حتی چند کاتب قسم خورده به منظور استنساخ و تکثیر روزنامه قانون و رسالات ملکم گماشته بود، چنان که بعدها در مقام مباحثات به سوابق مبارزاتی و قدمت فعالیت‌های سیاسی خود نوشت: «مدت بیست و دو سال خفای صورت و ظهور معنی را شرط اعظم طریقت آدمیت مآدانستم». ۶ وی این موضوع را در نامه نوزدهم ذی‌قعدة ۱۳۲۵ خود به احتشام‌السلطنه نیز تکرار مآکنند و مآنویسد:

«بیست و دو سال است به بیانات مقتضیه هر دوره بر حسب فریضه آدمیت عمرم را صرف بیداری اهالی وطن عزیز و نشر حقایق و ترتیب اتفاق کرده‌ام...» ۷، که با توجه به زمان نگارش نامه مزبور، سال شروع فعالیت‌های سیاسی وی را باید همان سال ۱۳۰۳ ه / ۱۸۸۷ م، یعنی مقارن با ورود و اقامت چند ماهه ملکم در ایران دانست. گرچه دوری ملکم‌خان از ایران، رسوایی او پس از ماجرای امتیاز لاتاری، و سرانجام انحلال مجمع آدمیت پس از مرگ ناصرالدین شاه، به تدریج و به طرز فزاینده‌ای از نقش و حضور مستقیم او در ایران کاست، ولی در واقع وی نماد و سخنگوی جریان فکری فعالی بشمار مآرفت که حتی برای مدتها پس از حیات وی نیز شاخصه حیات روشنفکری ایران، یا حداقل بخش قابل ملاحظه‌ای از آن، به شمار می‌آرفت و بنابراین موجودیت و استمرار آن قائم و منوط به فرد خاصی نبود. از این رو پس از کشته شدن ناصرالدین شاه و بازشدن تدریجی و نسبی فضای سیاسی کشور در دوره جانشین وی مظفرالدین شاه، حوزه و محفل همفکران ملکم همچنان برقرار بود تا سرانجام منجر به تأسیس جامع آدمیت شد. نیز اگر چه سازمان مزبور برگرد افکار و دکتترین ملکم و به روایتی بنا به تصویب وی تشکیل شده بود و نامبرده به مثابه نیامرشد فکری آن، نظارت و سرپرستی خود را از رم بر آن اعمال می‌آداشت ولی بنیادگذاری آن بنا به ابتکار عباس قلی‌آخان صورت گرفته و خط مشی آن نیز به وسیله خود او در تهران تعیین شد ۸ و از این رو به یک معنی سازمانی مستقل با هیئت مدیره و تشکیلات مختص به خود به شمار می‌آمد. ۹

تور ناصرالدین شاه قاجار و تشدید فعالیت انجمن آدمیت

در مورد تاریخ تأسیس سازمان مذکور، روایت مستند و مصرحی در دست نیست و عموماً تاریخ تأسیس آن را به طور کلی پس از تور ناصرالدین شاه و به دنبال کاهش خفقان و استبداد سیاسی حاکم، دانسته‌آند. ۱۰ معذالک یکی از نویسندگان تاریخ تأسیس و فعالیت آن را بین سالهای ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۸ م (۱۳۲۶-۱۳۲۲ ق) دانسته و بر آن است که تا سالهای نخستین قرن بیستم عباسقلی خان هنوز یک عنصر ناشناخته و فاقد شهرت و اهمیت بوده است ۱۱، و با توجه به این که سال یاد شده (۱۹۰۴ م / ۱۳۲۳ ه)، در واقع مقارن با ایام آغاز جنبش مشروطه خواهی است بعید نیست که تکاپوهای مزبور به نوعی محرک و مشوق انسجام و تشکل دسته‌آجات گوناگون، و از جمله سازمان یادشده بوده باشد، به ویژه که دلیل و مدرکی دال بر حیات و فعالیت آن در پیش از دوران مزبور در دست نیست. ۱۲ براساس اسناد و روایات موجود، اولین باری که عباس قلی‌آخان در عرصه سیاسی پدیدار مآشود، در سال ۱۳۲۴ ه و در بحبوحه نهضت مشروطه خواهی است که مشارالیه با دخالت در صحنه درگیری مشروطه‌آخواهان با قشون و قوای نظامی حکومت، ضمن موعظه و نصیحت فوج شقاقی از تیراندازی آنها به سوی جمعیت معترض ممانعت به عمل می‌آورد. ۱۳

در منابع مختلف از سازمان یاد شده با عناوین گوناگونی یاد شده است. ناظرًا لاسلام کرمانی از آن به عنوان «انجمن آدمیت» ۱۴ و «انجمن مخفی آدمیت» ۱۵ یاد می‌کند. عباس میرزا اسکندری ۱۶ و مخبرالسلطنه از آن به اسم «انجمن آدمیت» یاد می‌کنند. ۱۷ در بعضی اسناد و نامه‌ها از آن تحت عنوان «مجمع آدمیت» و گاهی «حزب آدمیت» یاد شده است ولی در تعهدنامه‌ها و برگه‌های عضویت، همان نام «جامع آدمیت» به کار رفته است ۱۸ و یکی از نویسندگان متأخر نیز عنوان «فراموشخانه سوم» را درخور آن دانسته است. ۱۹

نویسنده مذکور، جامع آدمیت را یک فرقه سیاسی و سری جدید ایرانی می‌داند که همچون نیا و سلف خویش مجمع آدمیت، براساس و الگوی سازمانهای فراماسونری، و البته به طور غیر رسمی و غیرمجاز، در ایران پدید آمد. ۲۰ یکی دیگر از پژوهشگران معاصر درباره پیوند و رابطه سازمان یادشده با فراماسونری می‌نویسد: «...تا آنجا که ما آگاهیم، نه فراموشخانه، نه مجمع آدمیت و نه جامع آدمیت، هیچ کدام با هیچیک از سازمانهای فراماسونگری جهانی پیوند سازمانی نداشتند. از این روی، چنین می‌انماید که اعضای جامع آدمیت تنها به خاطر پیوستگی به آن نهاد نباید «فراماسون» خوانده شوند...» ۲۱. در مقابل، برخی با مسجل دانستن ارتباط فراموشخانه و جامع آدمیت با فراماسونری جهانی آنها را از جمله حربه‌های سیاست انگلستان جهت رخنه ایدئولوژیک در ایران و مقابله با سیاست رقیب خود، روسیه دانسته اند. ۲۲

پی نوشتها:

۱. اسماعیل رائین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، چ ۳، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۶۳۴

۲. رائین، همانج ۱، ص ۶۳۲.

۳. فریدون آدمیت: فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، تابان، ۱۳۴۰، ص ۲۰۶.

۴. حامد الگار. میرزاملکم خان. ترجمه مرتضی عظیمی. شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹. ص ۶۰-۲۵۹.

۵. آدمیت، همان، ص ۲۰۷

۶. محمود کتیرایی. فراماسونری در ایران، از آغاز تا تشکیل لژ بیداری ایران. تهران، اقبال، ۱۳۵۵، صص ۸۶-۸۳.

۷. آدمیت، همان، صص ۲۰۷-۸.

۸. الگار، همان، ص ۲۶۰

۹. اسماعیل رائین. انجمنهای سری در انقلاب مشروطیت ایران. ناشر، بهمن، ۱۳۴۵. ص ۵۶.

۱۰. عبدالهادی، حائری. تاریخ جنبشها و تکاپوهای فراماسونگری در کشورهای اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸. ص ۵۰.

۱۱. الگار، همان، ۲۶۰.

۱۲. شاید بهترین منبع و مرجع تعیین تاریخ دقیق تولد سازمان مزبور دکتر آدمیت فرزند عباسقلیخان باشد که با کمال تأسف این مطلب را مسکوت و مبهم رها کرده است. دکتر رضوانی بر آن است که: «مؤلف سعی نموده است تاریخ دقیق تأسیس جامع آدمیت را به دست نهد و چنین وانمود کرده که این جمعیت بعد از کشته شدن ناصرالدین شاه به وجود آمده است. اما از تمام اسناد و مدارکی که ارائه داده است چنین پیداست که فعالیتهای عمده رئیس جامع آدمیت منحصر به سال ۱۳۲۵ بوده است. به این ترتیب عباسقلیخان را در نهضت مشروطیت ایران نمیتوان در «مقدمه» جای داد...»

۱۳. ناظم‌الاسلام کرمانی. تاریخ بیداری ایرانیان. به اهتمام علامه‌الاکبر سعیدی سیرجانی. تهران، انتشارات آگاه و نوین، ۱۳۶۲. ج ۱، ۴۸۳-۸۴.
۱۴. همان، ج ۲، ص ۷۸.
۱۵. همان، ج ۱، ص ۴۸۴.
۱۶. نفت و بحرین یا عباس اسکندری در خدمت مجلس پانزدهم. تألیف و نگارش کمیسیون نشر وقایع سیاسی. ناشر حسن اقبالی، ۱۳۳۱. ص ۴.
۱۷. مهدیقلی هدایت مخبرالسلطنه. خاطرات و خطرات. انتشارات زوار، چاپ چهارم، تابستان ۱۳۷۵. ص ۱۵۹.
۱۸. آدمیت، همان، ۲۰۸.
۱۹. رائین، فراموشخانه، ج ۱، صص ۶۲۳ و ۶۳۷.
۲۰. جم. زاوش. رابطه تاریخی فراماسونری با صهیونیزم و امپریالیسم. نشر آینده، خرداد ۱۳۶۱. ص ۳۶۶.
۲۱. حائری، تاریخ جنبشها و تکاپوهای فراماسونگری، همان، ص ۵۰.
۲۲. حمید روحانی. نهضت امام خمینی. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴. ج ۳، ص ۶۳.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/49565/انجمن-انجام-آغاز-مشروطیت-دوران-آدمیت-سیاسم>